

234426 - راهکارهایی برای دعوت مردم و نو ساختن ایمان در دل‌های آنان

سوال

چگونه می‌توان ایمان را در دل‌های سخت کاشت؟ چگونه می‌شود عظمت خداوند را در درون آنان بیدار کرد و دین را نزد آنان محبوب کرد؟ من راهکارهایی عملی و سودمند می‌خواهم. روش‌هایی که شخص دعوتگر یا طالب علم از طریق آن در این زمینه تخصص پیدا کند و به شکل عملی بر روی آنان اثر بگذارد و نتایج مثبت از دعوت آنان به استقامت و دینداری بیابد و سپس به تدریج از یکجانشینی دست بکشند و همتشان برای پایبندی به دین بالا رود و در پایان عظمت الله در دل‌هایشان بیدار شود و به میزان نعمت‌هایی که در آن به سر می‌برند پی ببرند و نیکی این دین در حق خود را جبران کنند و هر آنچه در توان دارند برای مسلمانان و غیر مسلمانان تقدیم کنند. از شما پاسخی کامل و قانع کننده می‌خواهم.

پاسخ مفصل

دل‌های مردم همانند ظرف است؛ بهترینش خیر و هدایت را می‌پذیرد و بدترینش گمراهی و تباهی را.

یکی از سلف می‌گوید: «**دل‌های نیکان با نیکی می‌جوشد و دل‌های بدکاران با فجور و بدی**» (مفتاح دار السعادة: ۱/ ۱۲۴).

بین این دو قلب، قلب‌هایی قرار دارد که مختلط و متردد هستند، گاه به سمت پروردگار و گاه به سوی هوای نفس.

شاید گاه محبت طاعت و اطاعت امر خداوند و پیامبرش بر آن غلبه کند و مدتی بر راه استقامت باشد، سپس هوای نفس بر آن غالب شود و پیمانش را زیر پا بگذارد و مرتکب معصیت شود و از دشمنش اطاعت کند و بر غیر راه درست رود.

بدون شک مسلمان در هر حال به خیر نزدیک‌تر است؛ اگر استقامت ورزد به اجر و فضل اولی‌تر است و اگر به سمت کژی رود به توبه و بازگشت شایسته‌تر. بنابراین مسلمان - هر چه غافل باشد - نیازمند یادآوری و پند و ترغیب و ترهیب است زیرا قلب او همچنان زنده است و می‌تپد اگرچه خانه‌اش از محله متقیان دور است و اگر چه دلش از مجالس پندر و اندرز غایب.

اینها برخی نصایح و توصیه‌های سودمند برای دعوت مسلمان غافل است:

- بهره گرفتن از اخلاق نیک برای دعوت و صبر بر آزار و عکس العمل بد احتمالی و روبرو شدن با لبخند و خوش‌رویی و دست دادن و احترام.

- باز کردن دروازه امید و رغبت و سخن از وسعت رحمت پروردگار که برای بنده‌اش طاعت مداوم را خواستار است همچنانکه از بنده گناهکارش بازگشت و توبه و انابت را می‌خواهد و برایش شاد می‌شود.

- ذوب کردن دل‌های سخت با محبت یاد الله که نخست با آشناسازی آنان با الله از طریق نام‌های نیک و صفات والای اوست چرا که هر کس پروردگارش را با نام‌ها و صفاتش بشناسد حتما او را دوست خواهد داشت و هر که الله را دوست بدارد طاعتش را نیز دوست خواهد داشت و دوری او و همچنین عوامل دوری‌اش را بد خواهد داشت.

سپس از طریق نعمت‌هایی که پروردگارش برای ذاکران در نظر گرفته از جمله محافظت و اجر و فضل در دنیا و آخرت.

- تشویق آنان به خواندن و حفظ قرآن و توجه به تدبر و اندیشه در آن زیرا اصل هدایت به راه مستقیم الله است و الله از همین طریق بنده‌اش را از نیرنگ شیطان در امان می‌دارد.

- دعوت آنان به اندیشه در آیات این جهانی پروردگار و نعمت‌های او در درون خودشان که اگر خداوند بخواهد این نعمت‌ها را از آنان خواهد گرفت.

- بیان اینکه وظیفه بنده در برابر نعمت‌هایی که الله به او ارزانی داشته ادای شکر است، اما آنکه کفران ورزد و شکرش را ادا نکند و در معصیت الله از نعمت‌های او بهره گیرد، آن را در معرض زوال قرار داده است.

- دعوت آنان به حفظ افکار خود از وسوسه‌های شیطان.

ابن قیم - رحمه الله - می‌گوید:

«آنچه را به ذهنت خطور کرده را دور کن چرا که اگر چنین نکنی تبدیل به فکر می‌شود و آنچه را به فکرت رسیده از خود دور کن که اگر نکنی تبدیل به شهوت می‌شود و آن را نیز دور کن چرا که اگر چنین نکنی تبدیل به عزیمت و قصد می‌شود و دیگر دور شدن از آن برای دشوار می‌گردد» (الفوائد: ۳۱).

- آموزش محبت طاعت و بد دانستن معصیت به آنان زیرا طاعت، عبادت رحمان است و معصیت، طاعت شیطان و آنکه با دشمنش دوستی کند و با دوستش دشمنی ورزد کار بسیار بدی مرتکب شده.

- آموزش امور دین از جمله آداب عمومی که تشویق به مکارم اخلاق و رعایت همسایگی و یاری دیگران و تشویق به آشنا شدن با دین از خلال این آداب دارد و اینکه چگونه اخلاق پیامبر - صلی الله علیه وسلم - قرآن بود و اینکه الله متعال ایشان را برای کامل ساختن مکارم اخلاق مبعوث نمود.

- متنفر ساختن دلها از دوری خداوند زیرا در دوری او حس دل‌تنگی و هلاکت است و نزدیکی‌اش انس است و امنیت.

- انس دادن دل‌ها با ترغیب و ترساندنش با ترهیب زیرا بنده میان پاداش و مجازات قرار دارد که اگر اطاعت کند ثواب می‌برد و اگر معصیت کند بازخواست می‌شود مگر آنکه خداوند از او درگذرد.

- تشویق به دوستی با نیکوکاران و اهل صلاح و ترساندن از دوستی فاسدان و گناهکاران، زیرا انسان بر دین دوست خود است.

- نرم کردن دل‌ها با موعظه آرام و سپس کوباندن دل‌ها با نصیحت محکم، زیرا بنده بین دو مقام ترس و امید قرار دارد.

- باز گذاشتن دروازه امید و دوری از سخنی که حاکی از ناامیدی و یاس است و بیان اینکه نومیدی جایی در دین ما ندارد، زیرا پروردگار دستش را بر شب می‌گستراند تا گناهکار روز توبه کند و دستش را بر روز می‌گستراند تا گناهکار شب توبه کند.

ملاک همه اینها: مجاهدت با نفس و دل است تا انس با سخن پروردگار و طاعتش و سخن پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - و سنتش مداوم گردد و باید خود دعوتگر همراه با آنان در مدارس قرآن یعنی تلاوت و تدبر و آموزش معانی اش بر حسب توان کوشش کند که این از طریق یک تفسیر آسان و مورد اطمینان مانند «**أیسر التفاسیر**» شیخ ابوبکر جزایری یا «**التفسیر المیسر**» یا «**تفسیر سعدی**» امکان پذیر است.

همچنین توجه کامل به سنت پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به ویژه در جانب عملی و بهتر است مدار مدارس سنت بر کتاب «**ریاض الصالحین**» امام نووی - رحمه الله - باشد.

برای بهره بیشتر مراجعه نمایید به کتاب <https://islamhouse.com/fa/books/253212> «پدیده ضعف ایمان» و کتاب <https://islamhouse.com/fa/articles/2818295> «عوامل پایدار ببردین» هر دو اثر شیخ محمد صالح المنجد.